

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين الذي لا شريك له في خلقه ولا شبيهه
له في عظمته معتمد المؤمنون الذي من خشيته ترعد
السماء وسكّانها وترجف الارض وعمّارها والصلوة و
السلام على اشرف بريته محمّد عبده ورسوله و على آله
الاطهار سيّما بقيّة الله في ارضه روى له الفداء بهم
اتولى و من اعدائهم اتبرء الى الله امسك بحبلهم و ارجو
شفاعتهم يوم اللقاء.

١٠٩٩٧



دانشگاه قم

مرکز تربیت مدرس

رساله دکتری (Ph.D)

رشته فلسفه تطبیقی

موضوع:

گادامر و تاریخمندی فهم

استاد راهنما

حجت الاسلام و المسلمین لاریجانی دام ظلّه

اساتید مشاور:

حجت الاسلام و المسلمین دکتر احمدی دام ظلّه

و

حجت الاسلام و المسلمین عابدی شاهرودی دام ظلّه

نگارش:

خداخواست عرب صالحی

۱۳۸۷ / ۱۶ / ۲۷

۱۰۵۹۹۷

مهرنگار
کتابخانه
دانشگاه قم



مرکز تربیت مدرس

مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران

هو الحمید

باعرض ارادت واحترام وسپاس وامتنان، به محضراساتید معظم که بزرگوارانه وصادقانه، این حقیررا رهین راهنمایی ها و آموزش های خود قرار دادند؛ به ویژه از سروران گرانقدر جناب حجة الاسلام والمسلمین استاد لاریجانی که باوجود مشغله فراوان زحمت راهنمایی رساله را تقبل فرمود وحتى در تهیه منابع نیز اینجناب را یاری نمودند و جناب حجة الاسلام والمسلمین استاد دکتر احمدی که با ملاحظات موشکافانه خود، سطر سطر رساله را مورد دقت خود قرار داده و این جانب را از نصایح و مشاوره های استادانه وپدرانه محروم ننمودند وهم از جناب حجة الاسلام والمسلمین استاد عابدی شاهرودی که علی رغم کسالت جسمی زحمت مشاوره را تقبل نمودند خاضعانه تشکر می نمایم امیدوارم بتوانم شاگرد لایقی برای این بزرگواران باشم .

برخود فرض می دانم که از زحمات کادر شریف تربیت مدرس قم به ویژه از جناب حجة الاسلام دکتر ذبیحی و سایر دست اندر کاران که زمینه تعلم و تأدب اینجناب را فراهم نمودند، قدردانی و سپاسگزاری کنم.

اگر بر تدوین این نوشتار، ثوابی مترتب گردد آن را به روح پدر ومادربزرگوایم که داغ از دست دادن آن دو در ایام گردآوری این رساله هنوز بر جسم وجانم سنگینی می کند، تقدیم می نمایم.

«و من الله التوفیق»

چکیده و ساختار

رساله حاضر تحت عنوان «گادامر و تاریخ‌مندی فهم» در سه بخش و ده فصل ارائه گردیده است؛ در بخش اول تماماً به اصل تاریخی نگری پرداخته شده که شامل چهارفصل است:

در فصل اول قریب چهارده تعریف از منابع مختلف و نگرش‌های متفاوت درباره هیستوریسیزم یا تاریخی نگری ذکر شده است که این تعاریف گویای دگرگونی‌های معنای تاریخی نگری به مرور زمان است.

در فصل دوم به پیشینه و خاستگاه تاریخی نگری، از پیدایش این اصطلاح و رواج آن، از تبدیل آن به یک نگرش معرفت‌شناسی تا زوال رویکردهای تاریخی نگر، مفصل سخن به میان آمده است.

فصل سوم به انواع هیستوریسیزم پرداخته و تطور معنایی آن را از هگل تا زمان حاضر پی‌گیری کرده و مجموعاً شش مرحله را برای آن بر شمرده و جایگاه گادامر را در این مراحل مشخص نموده است.

فصل چهارم به ایرادات دو منتقد تاریخی نگری، «روی کلوزر» و «کارل پیچ» پرداخته و نقد‌های کلی آنان را به اساس تاریخی نگری به میان کشیده است و در پایان پراگماتیسم رورتی را که در پی نجات هیستوریسیزم از گرداب اشکالات است، مورد نقد قرار داده است.

بخش دوم رساله جمعاً در دو فصل تدوین شده است؛ فصل اول به آرا و اندیشه‌های دو تن از متقدمین گادامر یعنی دیلتای و هیدگر به طور مختصر می‌پردازد زیرا اندیشه‌های گادامر بسیار ناظر و یا متأثر از افکار این دو استاد است.

فصل دوم به طرح اندیشه‌های گادامر در موضوعاتی که مرتبط با بحث تاریخ‌مندی است، می‌پردازد و در هشت محور به تفصیل، آرای گادامر را تبیین می‌کند.

بخش سوم رساله در چهار فصل به بررسی و نقد اندیشه‌ها و افکار گادامر در زمینه تاریخ‌مندی فهم می‌پردازد؛

فصل اول اشکال خود انکار بودن دیدگاه گادامر را بررسی می‌کند؛

فصل دوم به طور مفصل اشکال نسبی‌گروی شناخت در نظر گادامر را مورد بررسی قرار می‌دهد؛ مباحث این فصل در فهم پاره‌ای از نظرات گادامر تأثیر بسزایی دارد و در نهایت با وجود انکار گادامر و شاگردانش، این ایراد را بر او وارد میداند.

فصل سوم به بررسی ایراد ذهن‌گروی در هرمنوتیک فلسفی گادامر پرداخته است؛

و نهایتاً در فصل چهارم ایرادات مبنایی وارد بر گادامر مورد بررسی و تحقیق قرار می‌گیرد که مجموعاً بیست اشکال را بر دیدگاه‌های گادامر در محورهای گوناگون وارد می‌داند.

واژه‌های کلیدی: هیستوریسیزم، هرمنوتیک فلسفی، روشنگری، رمانتیسیزم، نسبی‌گرایی.

خط‌پذیری، مبنای‌گروی، افق، حقیقت، سنت، فهم و زبان.

فهرست مطالب :

۱	پیشگفتار	۱
۳	بخش اول: تاریخی نگری	۳
۴	فصل اول: تعریف HISTORICISM	۴
۱۵	فصل دوم: پیشینه و خاستگاه	۱۵
۱۵	الف) پیدایش واژه "Historicism"	۱۵
۲۱	ب) توسعه تاریخی نگری بعنوان یک جنبش فکری	۲۱
۳۴	ج) زوال رویکردهای تاریخی گرایانه	۳۴
۴۰	خاستگاه هیستوریسیزم از دیدگاه دکتر حمیدعنایت	۴۰
۴۴	فصل سوم: انواع هیستوریسیزم	۴۴
۴۴	الف-هگل و هیستوریسیزم:	۴۴
۴۸	ب- پوپر و هیستوریسیزم:	۴۸
۵۱	ادعای اصلی «هیستوریسیزم» از دیدگاه پوپر:	۵۱
۵۳	نقد پوپر از هیستوریسیزم:	۵۳
۵۷	ج-تاریخی نگری کلاسیک (فردریش ماینکه ۱۸۶۲-۱۹۵۴ و ارنست ترولچ ۱۸۶۵-۱۹۲۳)	۵۷
۶۱	د- هیستوریسیزم کلاسیک در خصوص جامعه شناسی دانش (کارل مانهیم ۱۸۹۳-۱۹۴۷)	۶۱
۶۵	ه- «هیستوریسیزم فلسفی»	۶۵
۶۷	اصول متعارف هیستوریسیزم فلسفی از دیدگاه «کارل پیچ»	۶۷
۶۹	اصول بنیادین تاریخی نگری معرفت شناختی	۶۹
۷۱	و- تاریخی نگری نوین	۷۱
۷۲	نتیجه	۷۲
۷۴	فصل چهارم: نقد هیستوریسیزم	۷۴
۷۵	الف- روی کلوزر و نقد هیستوریسیزم	۷۵
۷۵	تبیین نظریه تاریخی نگری از دیدگاه دیلتای به روایت کلوزر:	۷۵
۷۸	نقدهای اساسی کلوزر بر هیستوریسیزم	۷۸
۷۸	نقد اول:	۷۸
۷۸	پاسخ به نقد و رد آن	۷۸
۷۹	۲- نقد دوم «روی کلوزر» به هیستوریسیزم:	۷۹
۸۲	۳- نقد سوم کلوزر بر هیستوریسیزم	۸۲
۸۴	ب- کارل پیچ و نقد هیستوریسیزم	۸۴
۸۵	۱- خود انکار بودن تئوری تاریخی نگری:	۸۵
۸۷	پاسخ به اشکال:	۸۷

۸۸	رد پاسخ:
۹۰	پاسخ دوم هیستوریسیزم به اشکال خود انکاری
۹۰	تنزل از نظریه به فرضیه:
۹۰	رد پاسخ دوم:
۹۰	۲- نقد دوم کارل بیچ به هیستوریسیزم
۹۳	پاسخ به نقد دوم
۹۳	رد پاسخ
۹۴	ج) آیا پراگماتیسم (عمل گرایی) می تواند مذهب اصالت تاریخ را نجات دهد؟
۹۵	رد دیدگاه رورتی
۹۵	نتیجه
۹۷	بخش دوم: «گادامر و تاریخمندی فهم»
۹۸	فصل اول: "اشاره ای به آرای ديلتای و هيدگر"
۹۸	الف) ديلتای و مسأله فهم
۱۰۲	ب) اشاره ای به آرای هيدگر در باب هرمنوتیک
۱۰۵	ویژگی های «دازاین» از نظر هيدگر
۱۰۵	۱- «دازاین نقطه آغازین در بررسی مساله وجود و تنها موجود خودآگاه است»
۱۰۶	۲- دازاین «هستی در آن جا» و «هستی در جهان» است.
۱۰۸	۳- «دازاین» در عالم خود، افکنده و پرتاب شده است.
۱۰۹	۴- دازاین زمان مند و در نتیجه تاریخ مند است
۱۱۳	نتیجه مهم دو ویژگی فوق
۱۱۶	«هيدگر و مسأله ی فهم»
۱۱۶	ماهیت فهم:
۱۱۷	«دو تفاوت کلیدی در تلقی ديلتای و هيدگر از فهم»
۱۱۹	سیر تحول معنایی ابژه و سوژه
۱۲۴	«ساختار فهم از منظر هيدگر»
۱۲۷	فصل دوم: هرمنوتیک فلسفی گادامر و تاریخی نگری
۱۲۷	مقدمه:
۱۲۷	الف- «زندگینامه گادامر»
۱۳۳	ب- جایگاه گادامر در سنت هرمنوتیکی
۱۳۶	ج- نمایی از کتاب حقیقت و روش
۱۳۸	د- پسوند <i>ism</i> و <i>ics</i>
۱۳۹	ه- توضیح دو اصطلاح:
۱۳۹	۱- روشنگری
۱۴۰	۲- رومانتیسیسم آلمانی
۱۴۱	جغرافیای عقلانی

- ۱۴۲..... «مراد گادامر از تاریخمندی فهم»
- ۱۴۴..... ماهیت «فهم» از دیدگاه گادامر
- ۱۴۹..... «ساختار و حیثیت‌های مختلف فهم از منظر گادامر»
- ۱۴۹..... الف) فهم یک «واقعه» و حادثه است
- ۱۵۳..... ب) نقش سنت، مآثر فرهنگی و پیش داوری‌ها در فهم
- ۱۵۴..... ۱- ب) تاریخچه مفهوم پیش داوری از زبان گادامر
- ۱۵۵..... ۲- ب) تبیین هیدگر از پیش - ساختار فهم
- ۱۵۸..... ۳- ب) اعتبار زدایی روشنگری از پیش داوری و دیدگاه رمانتیسیسم در این زمینه
- ۱۶۰..... ۴- ب): نقد تلقی روشنگری
- ۱۶۱..... ۵- ب) پیش داوری‌ها به مثابه شرایط فهم
- ۱۶۱..... اعاده اعتبار به مرجعیت و سنت
- ۱۶۲..... ۶- ب) مرجعیت و اقتدار سنت، خود، امری عقلانی است
- ۱۶۵..... ۷- ب): نقش سنت و پیش داوری‌ها در علوم طبیعی
- ۱۶۶..... ۸- ب) فرق علوم انسانی با علوم طبیعی
- ۱۶۷..... ۹- ب): پیش فرض‌ها جزء حیثیات وجود انسان اند
- ۱۶۹..... ۱۰- ب) تبیین دیدگاه گادامر توسط گئورگیا وانکه»
- ۱۷۲..... ج) حیث اطلاق و کاربرد فهم
- ۱۷۳..... «سه تعبیر دیگر از جناب جین گراندین»
- ۱۷۷..... «اسطوره زدایی بولتمان و حیثکاربردی فهم»
- ۱۷۸..... د) «فهم» امتزاج افقها است، نه بازسازی معنا»
- ۱۷۸..... ۱- د) معنای افق
- ۱۷۹..... ۲- د): «افق امری سیال و در حال تغییر است»
- ۱۷۹..... ۳- د) «بازسازی معنای گذشته نه صحیح است و نه ممکن»
- ۱۸۳..... ۴- د): فهم یعنی ترکیب و امتزاج افقها
- ۱۸۵..... ۵- د) نتایج مترتب بر حیثیت چهارم فهم
- ۱۸۸..... ه) حیث دیالکتیکی فهم
- ۱۹۱..... «کلامی از گئورگیا وانکه در مقام»
- ۱۹۳..... و) فهم و تجربه
- ۱۹۴..... «ابعاد و ساختار تجربه در نظر گادامر:
- ۱۹۶..... ز) «حیث تاریخمندی آگاهی به تبع تاریخمندی وجود انسان»
- ۲۰۰..... ۱- ز) تبیین گادامر از «آگاهی متأثر از تأثیر تاریخ»
- ۲۰۳..... ۲- ز) «تأثیر "فاصله زمانی" در فهم»
- ۲۰۵..... ح) حیث زبانمندی فهم
- ۲۰۵..... ح ۱) سرشت زبانی سنت
- ۲۰۶..... ح ۲) کل فهم در قالب زبان صورت می‌گیرد

۲۰۷ح ۳ (ماهیت زبان
۲۰۸ح ۴ (محدودیت زبان
۲۱۰ح ۵ (خصلت تأملی زبان
۲۱۳بخش سوم: نقد و بررسی دیدگاه‌های گادامر در زمینه‌ی تاریخ‌مندی فهم
۲۱۵فصل اول: اشکال خود انکاری و پارادوکسیکال بودن نظریه‌ی گادامر
۲۱۶پاسخ گادامر:
۲۱۸پاسخ به گادامر:
۲۲۰فصل دوم: نسبی‌گروی در هرمنوتیک فلسفی
۲۲۰۱: تبیین چند اصطلاح
۲۲۰الف- نسبی‌گروی:
۲۲۱ب- عینی‌گروی:
۲۲۲ج- ذهن‌گروی:
۲۲۳د- رابطه‌ی نسبی‌گروی و ذهن‌گروی:
۲۲۴ه- خطاپذیری:
۲۲۶۲: نسبی‌گروی در گادامر
۲۲۸۳: پاسخ گادامر به ایراد نسبی‌گروی
۲۳۱۴: دو تفسیر درباره‌ی نظریه‌ی گادامر
۲۳۱الف- گادامر، رئالیسم خطا پذیر
۲۳۲۱-الف- محدودیت فهم بشری
۲۳۳۲-الف- شکاکیت یا میناگروی
۲۳۴۳-الف- رئالیسم خطاپذیر
۲۳۵۴-الف- رابطه‌ی یقین و دانش
۲۳۶۵-الف- تشبیه خطاپذیری به قول مخطئه در فقه اسلامی
۲۳۷ب- گادامر، رئالیسم منظر گرا:
۲۴۰۵- پاسخی دیگر به اشکال نسبی‌گروی
۲۴۳۶- نکته:
۲۴۴۷: مراد گادامر از «حقیقت»
۲۴۸۸: معیار یا معیارهای گادامر برای تمایز بین فهم صحیح از فهم نادرست
۲۵۳۹: کلام نهایی در اشکال نسبی‌گروی
۲۶۰فصل سوم: ذهن‌گروی در هرمنوتیک گادامر
۲۶۲نزاع وانکه و گادامر
۲۶۹فصل چهارم:
۲۶۹اشکالات مبنایی وارد بر گادامر
۲۶۹الف) ادعاهای بی دلیل:
۲۷۱ب) مسأله پیش فرضها

۲۷۵	ج (حیث کاربردی فهم
۲۷۸	د) امتزاج افقها
۲۸۰	هـ) دیالکتیک پرسش و پاسخ
۲۸۱	و) تفاوت علوم انسانی و علوم طبیعی
۲۸۲	ز) معنای متن
۲۸۳	۱ - نظر حقوقدان ایتالیایی، امیلیوبتی
۲۸۵	۲- دیدگاه متفکر امریکایی، اریک دونالد هیرش (۱۹۲۸)
۲۸۶	الف - تفکیک «معنای لفظی» و «معنای نسبت به»
۲۸۸	ب - تفکیک بین فهم، تفسیر، نقد و داوری
۲۸۹	ج - دلیل اعتبار فهم چیست؟
۲۹۱	ح (: سایر اتهامات دیدگاه گادامر
۲۹۶	فهرست منابع و مأخذ:
۳۰۱	Abstract

پیشگفتار

بحث هیستوریسیزم یا تاریخی نگری در فلسفه غرب و خصوصاً سنت فلسفی آلمان سابقه‌ای طولانی داشته، و به دو قرن پیش بر می‌گردد و چندی پس از آغاز پیدایش به یک جنبش فکری تبدیل شده و تحقیقات وسیعی را در غرب به خود اختصاص داده است و امروزه آثار آن از جمله نسبی گرایی در مباحث معرفت‌شناختی هنوز بر فکر فلسفی غرب سایه افکنده است و به قول «روی کلوزر» همچون ویروس HIV در حال گسترش است.

دامنه تاریخی نگری، کل پدیده‌های تاریخی، افکار و عقاید انسان‌ها و معرفت و فهم او را در نورددیده و در گادامر به ذات وجود فهم و تعقل سرایت می‌کند؛ دیلتای آثار منفی ناشی از تاریخی نگری از جمله نسبی گرایی را در مقابل آنچه این دیدگاه به انسان هدیه نموده ناچیز می‌داند او می‌گوید: بصیرت تاریخی به محدود بودن هر پدیده تاریخی، هر موضوع انسانی و اجتماعی و نسبت هر نظریه و اعتقاد، آخرین گام برای رسیدن به آزادی بشر است. او مستقل می‌شود و قدرت مطلق می‌یابد. در قبال نسبت، انسان به یک نیروی خلاق دست می‌یابد که به عنوان ضروری‌ترین حقیقت تاریخی، خودنمایی می‌کند؛ همین نیروی خلاق است که تمام مفاهیم جهان طبیعی، جهان اجتماعی، علوم، هنر، عقاید دینی و مذهبی و دیگر فرضیه‌های معرفت‌شناختی را خلق می‌کند!^۱

در ایران نیز کمتر از نیم قرن است که این بحث‌ها به صورت ترجمه‌ای و کم عمق و اکثراً با وجهه سیاسی به میان کشیده شده است و عجیب آنکه مستقیماً و بی محابا آن را به معرفت دینی کشانده و مدتهاست بحث از اسلام تاریخی و تاریخمندی معرفت دینی و بعضاً تاریخمندی اصل دین و کتاب و سنت به میان آمده است.

بحث نسبت معرفت دینی، قرائت‌های گوناگون و قبض و بسط معرفت در واقع کپی‌برداری و بازگویی بدون استناد همان مباحثی است که در فلسفه غرب مطرح و سالهاست که به نقد آن نیز پرداخته‌اند.

متأسفانه هنوز یک پژوهش قاعده‌مند و دور از غرض ورزی و مستند در زمینه اصل فکر تاریخی نگری به زبان فارسی انجام نگرفته است و حداقل نگارنده حتی به یک مقاله وزین علمی در این زمینه به زبان فارسی برخورد نکرده است. بنابراین ارائه یک پژوهش علمی در این زمینه ضروری می‌نماید.

۱. نقل قول‌ها از کلوزر و دیلتای در فصل پایانی بخش اول رساله مستنداً و به طور مفصل آورده شده است.

و از آنجا که در زمینه هیستوریسیزم، گادامر تقریباً آخرین حرف‌ها را آورده و نظرات و دیدگاه‌های او از وزانت خاصی برخوردار است، هدف اصلی این نوشتار بررسی آراء و اندیشه‌های او در باب هیستوریسیزم است.

آنچه این نوشتار در پی آن است یافتن پاسخی در خور به سؤالات ذیل است:

۱- هیستوریسیزم چیست، پیشینه و دامنه آن کدام است، منتقدان آن چه می‌گویند؟

۲- نظریه تاریخی نگری در هرمنوتیک فلسفی گادامر چگونه تبیین می‌گردد؟

۳- آیا فکر فلسفی معاصر چاره‌ای جز پذیرش فکر تاریخی نگر و تبعات آن ندارد؟

و در نهایت این نوشتار به بررسی و نقد آراء و اندیشه‌های گادامر در زمینه تاریخ‌مندی فهم می‌پردازد.

بدیهی است در نگارش این رساله موانع عدیده‌ای رخ می‌نمود که چاره‌ای جز پشتکار و پیگیری مداوم نبود؛ کمبود منابع موجود در ایران و مهمتر از آن مشکلات فراوان در دسترسی به منابع موجود در پاره‌ای از کتابخانه‌ها، فقدان پیشینه تحقیقاتی در خصوص این موضوع در ایران، سخت‌نویسی گادامر و عدم انسجام کافی در نوشته‌های او و از همه مهمتر کمی بضاعت علمی نویسنده از موانع کار در تدوین این رساله بوده است.

امید است این نوشته فتح بابی شود در زمینه تحقیق در فکر تاریخی نگر و نقد عالمانه آن تا بتوانیم حیرت و سرگردانی‌ای که نسل حاضر در زمینه معرفت‌شناسی به آن دچار گشته را مداوا کنیم و پاسخ‌هایی در خور به هجمه فرهنگی غرب که متوجه اساس و بنیان‌های عقیدتی و فکری اسلام است را پی‌ریزی نمائیم و با مجاهدت‌های علمی، روز قیامت شرمنده آنان که با نثار جان خود از مرزهای دینی حفاظت کردند نباشیم. انشاءالله

بخش اول:

تاریخی نگری
Historicism

فصل اول:

تعریف HISTORICISM

از آن جا که هیستوریسیزم کاربردها و انواع متفاوتی دارد، تعریف‌های مختلفی هم از آن ارائه شده که ابتدا به پاره‌ای از آنها اشاره می‌شود:

- ۱- نظریه ای که بر طبق آن تاریخ به واسطه ی قوانین ثابت و پا بر جا متعین می‌شود نه به واسطه عامل انسانی.
- ۲- نظریه ای که بر طبق آن همه پدیدارهای فرهنگی به نحو تاریخمند متعین می‌شوند و تاریخدانان باید هر سده‌ی تاریخی را بدون تحمیل هر گونه سیستم شخصی یا سیستم ارزیابی مطلق، مطالعه کنند.
- ۳- ملاحظه اصیل ساختارهای تاریخمند به عنوان قوانین یا سنن.
- ۴- جستجویی از قوانین ارزیابی تاریخمند که در تبیین و پیشگویی پدیدارهای تاریخمند نقش دارند.^۱

۵- اعتقاد به یگانگی و یکتایی دوره های تاریخی: نظریه ای که بر طبق آن هر دوره

تاریخی اعتقادات و ارزش های خاص خود را دارد و تنها با در نظر گرفتن زمینه ی تاریخی

خود قابل فهم است.^۱

۶- پل ادواردز (تعریف و خاستگاه): با در نظر گرفتن دامنه وسیع کاربرد این واژه آیا می

توان مشخصه ای برای هیستوریسیزم یافت که شامل همه موارد کاربرد آن بشود و در عین حال

معنای واضحی از هیستوریسیزم ارائه کرده باشد؟

شاید بتوان گفت تعریف ذیل تا حدودی ما را به این هدف رسانده باشد:

« هیستوریسیزم اعتقاد به این است که فهم مناسب از طبیعت و از هر چیزی، و تشخیص

مناسب معیار فهم، باید با ملاحظه آن شیئی بر حسب فضایی [زمان و مکان] که اشغال کرده و

نقشی که در فرایند توسعه و تکامل بازی میکند، حاصل گردد.^۲

بنابر آن چه در این دانشنامه آمده است، کاربرد اولیه اصطلاح Historicism چندان واضح

نیست اما اولین کاربرد وسیع آن شاید در بین مباحث متدلوزی در مباحث اقتصادی-سیاسی

آلمان یافت شده باشد در این مباحث «کارل منگر»^۳ به نقد گوستاواشمولر^۴ پرداخته است و

مکتب او در ساختن نظریه اقتصادی، به تاریخ اقتصادی وابسته است. گرچه تا مرحله جنگ

جهانی اول این واژه کاربرد وسیعی نداشت. وقوع جنگ و شکست آلمان، آن ها را به بازنگری

سنن فرهنگی و سیاسی گذشته رهنمون کرد و در این بازنگری یک معضل اساسی این بود که

آیا یک رویکرد صرفاً تاریخمند به فرهنگ بشری می تواند مبنای مناسبی برای حکم در باب

معیارهای فرهنگی فراهم کند. البته این برای فیلسوفان و الهیون مسأله ی جدیدی نبود اگر چه

۱ . Encarta ® World English Dictionary [North American Edition] (P) ۲۰۰۶ Microsoft Corporation available at: [www.Encarta.msn.com/encnet/features/dictionary/\(۲۰۰۵/۱۰/۱۶\)](http://www.Encarta.msn.com/encnet/features/dictionary/(۲۰۰۵/۱۰/۱۶))

۲ . Paul Edwards, The Encyclopedia of Philosophy, V۳, P۲۴

۳ . Karl Menger

۴ . Gustav Schmoller

برای کسانی که در آلمان در سنت مطالعات تاریخی پرورش یافته بودند و برای کسانی که با تغییرات شدید زمانه روبه‌رو شده بودند، سؤال از ارتباطات معیارهای فرهنگی با تغییر تاریخمند، فوریت خاصی یافته بود. و به خاطر این نکته بود که ارنست ترولچ^۱ برای تعریف و تشخیص Historicism، تلاش نمود، در یک روش غیر مجادله آمیز، خاستگاه‌های آن را تبیین و قابلیت‌ها و محدودیت‌های آن را تعیین نماید.^۲

۷- راتلج: Historicism آن گونه که بندتوکروچه^۳ گفته به معنای روایات گوناگونی از

فکر تاریخی نگر است که در قرن نوزدهم به نحو برجسته به خصوص در آلمان توسعه یافته بود. هیستوریسیزم تأکیدی است بر تاریخمند بودن همه دانش و شناخت و نقدی است بر معرفت‌شناسی ضد تاریخی تفکر روشنگری.

مهم‌ترین نظریه پردازان و تاریخدانانی که دیدگاه‌های آن‌ها با هیستوریسیزم متحد و

مرتبط است عبارتند از:

"لئوپولد فون رانکه"^۴، "ویلهم دیلتای"^۵، "درویزن"^۶، "فردریش ماینکه"^۷، "کروچه

و کالینگوود.^۸

در آثار "هایدگر"^۹، ادموند هوسرل^{۱۰} و هانس گئورگ گادامر^{۱۱} در برابر هیستوریسیزم

موضعی اثباتی ترا اتخاذ شده و هیستوریسیزم پذیرفته شده است.

۱ . Ernst Troeltsch

۲ . Ibid, P۲۲

۳ . Benedetto croce

۴ . Leopold Von Ronke

۵ . Wilhelm Dilthey

۶ . J.G.Droysen

۷ . Friedrich Meinecke

۸ . R.G.Collingwood

۹ . Martin Heidegger

۱۰ . Edmund Husserl

۱۱ . Hans-Georg Gadamer

"کارل هویسی"^۱ چند مشخصه برای هیستوریسیزم نقل می کند:

۱: با این اعتقاد شکاکانه که تاریخ نمی تواند ما را به احکام یقینی رهنمون کند، متحد است.

۲: مدعی است که دانش علمی فقط در محدوده و مرزهای تاریخی امکان دارد.

۳: به دنبال آن است که از راه مطالعه درونی تاریخ به حقایق فلسفی و الهی برسد.^۲

از نظر هویسی، هیستوریسیزم مبتنی بر سه فرض یا سه اصل است:

الف) انسانیت، ذات و طبیعت خاص ندارد بلکه تاریخ دارد به این معنا که تجربه و

شناخت تنها به واسطه تاریخ، محصور و مشروط شده است.

ب) قوانینی که زندگی انسان را مشخص و معین می کنند، بطور طبیعی مقرر نشده اند بلکه

محصول زمینه های تاریخمند خاص هستند.

ج) محتوای واقعی شناخت وابسته به منطق مقولی نیست بلکه براساس موقعیت آن در

تاریخ و توجه پایدار به تاریخ است.^۳

۸- دیدگاه "کارل پیچ"^۴: ایشان در ابتدا سه معنا برای واژه ی تاریخ ذکر می کند:

۱: نفس حوادث.

۲: مخابره حوادث.

۳: تاریخ به عنوان یک واقعیت عنصری مستقل: تاریخ در این معنای سوم، در پنداری

ترین حالت، به عنوان نیرویی است که بر فراز موجودات بشری بطور مستقل قرار می گیرد. و

با تنزل، همان تصور متافیزیکی که در ضمن موجود تاریخی است و به عنوان یک واسطه عام

۱ . Karl Heussi

۲ . Edward Crai, Routledge Encyclopedia of Philosophy V۴-p ۴۴۳-۴۴۴

۳ . Ibid P۴۴۴

۴ . Carl Page, Philosophical Historicism And the Betrayal of First philosophy, P۷, Pennsylvania

State University Press, ۱۹۹۵

برای فعل آدمی تصور می‌شود؛ یک سیلانی که در جریان آن ما شنا می‌کنیم.

تاریخ یا پروژهی تاریخی به عنوان یک اثر است که قادر به تعیین هیدرودینامیکی فکر انسان و فعل اوست. این اثر ممکن است از جنس زیان باشد یا از برنامه‌های مفهومی، و یا تجارب حقیقی و اجتماعی، یا از جنس دوره‌ی زمانی و یا از آن چه شما دارید؛ اما کاربرد متافیزیکی همه آنها یکی است: «تاریخی بودن، یا همیشه محکوم تاریخ بودن»

جذابیت اصطلاحاتی چون: «تأثیر تاریخمند»^۱، «جریان وسیلان فکر»^۲، «سریان ایده‌ها»^۳، «سیلان تغییر تاریخمند»^۴ و غیره دارای قطعه‌ای از تصور تاریخ به عنوان یک عنصر است.

به اعتقاد وی واژه‌ی "Historicism" در معانی مختلف خود به خصوص تاریخی نگری فلسفی از این معنای سوم تاریخ اخذ شده است. البته این واژه تقریباً به هر موضوع فلسفی که به نحوی ارجاع به تاریخ دارد به عنوان یک بر چسب نسبت داده می‌شود بدون ملاحظه شکل و قالب خاصی که در آن به تاریخ ارجاع داده شده است. این واژه وقتی در چنین محدوده بیکرانی بکار میرود می‌تواند قابل اطلاق بر نظرات هگل و کسانی همچون ریچارد رورتی هم باشد.

و آنگاه خود در تعریف «تاریخی نگری» می‌گوید: «نقطه اشتراک همه اشکال ژست تاریخی نگری، توجه متمرکز بر راه‌هایی است که در آن‌ها زندگی بشری و فکر او، یک خصوصیت و شخصیت ذاتاً تاریخی را ظاهر می‌کند، این مشخصه‌ی ذاتاً

۱ . Historical influence

۲ . Currents of thought

۳ . Diffusion of ideas

۴ . The flux of historical change

تاریخی و معهدا فراگیر را «تاریخمندی» می‌نامیم.^۱

از نگاه کارل پیچ* Historicism عقیده ای است در مورد مرزها و محدودیت های دانش بشری؛ و این که چگونه است که ادراک بشری همیشه برده ی موقعیت تاریخی اوست؟ تاریخی نگرها، تلاش‌های انجام شده در جهت اثبات صحت یا اعتبار نظریات کلی را رها کرده و در عوض به بیان مفاهیم، معیارها و پیش فرض ها به عنوان بخشی از سنت تاریخمندی که واقعیت عینی را پایه ریزی می‌کنند، می‌پردازند.^۲

۹_ دیدگاه روی کلوزر:^۳

درباره‌ی واژه‌ی «تاریخ»^۴ دو تفسیر و تعبیر وجود دارد:

۱- همه چیز(جز خداوند) همان تاریخ است، به شرط آنکه «تاریخ» به معنای آن چه قبلاً موجود بوده یا هست و یا در آینده بوجود می‌آید در نظر گرفته شود. این تعریف به نوعی همانگویی^۵ و تکرار معلوم دچار است و اگر اصطلاح "Historicism" از این معنا اخذ شده باشد «مکتب اصالت تاریخ» را نمی‌توان شامل یک نظریه سودمند یا آگاهی بخش درباره تجربه و دانش بشری دانست.

۲- در این معنا تاریخ با اشاره به قدرت و توانایی بشر، فرهنگ ساز است. تاریخ نه همه اتفاقات و حوادث، بلکه آن دسته از اموری است که در ارتقای فرهنگ بشر تأثیر گذار بوده است. و مراد از فرهنگ هم تمام تولیداتی است که قدرت بشر برای کنترل محیط ساخته است. بر این اساس، زبان، سازمان‌های اجتماعی، علوم، تکنولوژی، هنر و

۱ . Ibid: p ۱۲

* ظاهراً این عبارت اخیر برگرفته از کتاب آمیکو است که خواهد آمد.

۲ . Ibid , P.P ۱-۲

۳ . Roy Clouser

۴ . History

۵ . Tautology

تمام مصنوعات، محصولات فرهنگی هستند. با این وصف "مکتب اصالت تاریخ"^۱ نظریه‌ای است که مدعی است، تاریخ در معنای دقیق خود یعنی "شکل دهی فرهنگ"^۲، یگانه چشم انداز تفسیری است که بر اساس آن معنای جامع و کلی تاریخ فهمیده می‌شود.

ادعای اصلی هیستوریسیزم بر این استوار است که تمام نظریات، مکاتب، و اغلب مفاهیم - اگر نتوان گفت همه آنها - چیزی بیش از حقایق فرهنگی ساخت بشر دربارہی زمان و مکان خاصی نیستند و از آن جایی که تمام آنها ساخته ذهن بشر می‌باشند نمی‌توانند مدعی حقیقت محض باشند و در صحت و درستی آنها جای تردید هست.^۳

۱۰- تعریف رابرت دی. آمیکو^۴

"هیستوریسیزم" موضعی است در باب مرزهای دانش؛ چگونه فهم انسان همیشه اسیر موقعیت تاریخمند اوست. مسأله هیستوریسیزم ربطی به این حقیقت واضح ندارد که هر دانشی در یک زمان و مکان خاصی تولید می‌شود بلکه نکته عمیق‌تر و برای بعضی اندیش‌ناک، این است که اصلاً امکان دانش عینی به خودی خود، در "تاریخ" موجود است.

بنابراین هیستوریسیزم یک تزی است دربارہی مرزها یا محدودیت‌های تحقیق و علیهذا بخشی از آن چیزی است که «نظریه نقادی»^۵ خوانده می‌شود.

هیستوریسیزم تلاش برای اثبات اعتبار یا صحت مفاهیم را رها کرده است و ترجیحاً

۱ . Historicism

۲ . Culture-formation

۳ . Roy Clouser, A Critique of Historicism, The College of The New Jersey, August ۱۹۹۶ p, ۱-۲

available at: www.freewebs.com (۲۰۰۵-۸-۱۵)

۴ . Robert D. Amico

۵ . Critical theory